

که به دربار خشایارشا «رخنه» کرده بودند به ایرانیان شد و شصت هزار نفر ایرانی کشته شدند! این گله برای من از چند جهت جالب بود. اولاً برای کسانی که پوریم را نمی‌شناسند باید به اختصار بگویم که طبق این داستان که یهودیان به آن باور دارند، وزیر درباری بنام هامان که یک ضد یهود یا بقول امروزی‌ها آنتی سمیت سرسخت بود، تصمیم به نابودی همه یهودیان ایران می‌گیرد (تاریخ تکرار می‌شود) - توطئه توسط مردخای کشف شده با کمک خواهرزاده‌اش ملکه استر، پادشاه ایران را باخبر می‌کنند، توطئه چینان و همدستان هامان به هلاکت رسیده، یهودیان در امان می‌مانند.

در اینجا من قصد ندارم بر سر این موضوع که داستان پوریم یک واقعیت تاریخی است یا یک اسطوره بحث کنم؛ زمانی که در اصفهان شاگرد دبستان دولتی شمس بودم، یکی از آموزگاران در کلاس شرعیات که من بعدها با لطف معلم و تبلی خودم از آن معاف شدم، با آب و تاب می‌گفت که حضرت علی (ع) در یک روز با شمشیر ذوالفقار خود ۷۰۰ نفر را سر بریدند! باید اعتراف کنم که در آن زمان مانند کودکانی که امروز شیفته فیلم‌های سوپرمن و امثال آنها هستند من نیز با تشبیه خود به حضرت علی (ع) احساس غرور و قدرت می‌کردم. گرچه میدانم هنوز هم بعضی از مسلمانان این موضوع را حقیقت می‌دانند ولی بنظر من این افسانه‌ای بیش نیست.

و اما برگردیم به پوریم که یهودیان آنرا جشن می‌گیرند. قبلاً اجازه دهید تا به آن هم میهن خوش لهجه عزیزم بگویم ایشان ناخودآگاه یا شاید هم آگاهانه یهودیان ایرانی را شهروند دست دوم می‌شناسند. چرا که می‌گویند دو نفر از آنان در دربار «رخنه» کرده بودند. یعنی از نظر ایشان بطور کلی یک نفر یهودی ایرانی چون یهودی است حق رسیدن به مقام‌های بالا را ندارد چه برسد که پایش به دربار برسد. اگر یک نفر ایرانی مسلمان خلافتی انجام داد یک نفر ایرانی است ولی اگر یک نفر یهودی کار بدی کرد او یک نفر یهودی است! که این جمله معروف اینشتین را بیاد می‌آورد که گفته بود اگر فرضیه نسبیت من درست دربیاید آلمان‌ها خواهند گفت من یک نفر آلمانی هستم ولی اگر اشتباه از آب درآمد مرا یک یهودی خواهند خواند!

حالا که به اینجا رسیدیم فرض کنیم واقعه پوریم افسانه

نمیدانم این چه رمزی است با اینکه هیچ گونه شباهتی بین لس آنجلس و ایران وجود ندارد هر گاه به آنجا می‌روم کمی خودم را در تهران حس می‌کنم. آگهی‌های تبلیغاتی، تابلوهای مغازه‌ها، روزنامه‌ها و خصوصاً شنیدن فارسی زبانان در کافه رستوران‌ها به من نوعی نوستالژی میدهد و تا حدی دگرگونم می‌کند فکر می‌کنم در این شهر زیبایی‌ها و نازیبایی‌ها، پیشرفت‌های علمی هم‌میهنان، نادانی بعضی از آنها، پیشرفت‌های اقتصادی بعضی و از اسب پایین افتادن برخی دیگر، همه آئینه بزرگنمایی از جامعه ایرانی است که من می‌شناختم؛ حالا اینکه چگونه شده باشد، خبری ندارم.

یکی از مواهب لوس آنجلس، وسایل روابط جمعی مثل رادیوها و تلویزیون‌ها و مجله وزین راه زندگی است که به مدیریت فاضل بانویی چون پری اباضلی منتشر می‌شود که من خوشبختانه آنرا اینجا هم می‌توانم بخوانم. ولی از برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی به علل اشکالات فنی و خصوصاً کمی وقت محروم‌م. لذا وقتی به لس آنجلس سفر می‌کنم تا آنجا که ممکن باشد از آنها استفاده کرده فیض می‌برم.

یکی از این‌ها، برنامه تلویزیون پارس است که به مدیریت استثنایی نویسنده، شاعر، برنامه ساز رادیو و تلویزیون و سخنران کم‌نظیر علیرضا میبیدی اجرا میشود. در این برنامه که «یاران» نام دارد، یک نفر زرتشتی، یک مسلمان، یک بهایی، یک مسیحی و یک یهودی بدون اینکه از طرف مقامات مذهبی خود مأموریتی داشته باشند، بدون ادعا نظریات خود را از دریچه مذهب در باره موضوعات مختلف بیان می‌کنند و انصافاً برنامه‌ای بسیار جالب و آموزنده است. خصوصاً که پس از آن اگر وقتی باقی مانده باشد، یکی دو نفر از بینندگان هم می‌توانند تلفن کنند و نظریات خودشان را بیان کنند و در صورت امکان جوابی هم بشنوند. عفت کلام و سطح بالای این برنامه را در درجه اول باید به آقای علیرضا میبیدی تبریک گفت.

هفته گذشته برنامه مانند هر بار که من شانس دیدنش را دارم جالب بود. خانمی با لهجه زیبای فارسی - که از تولد تا ۲۰ سالگی که ترک وطن کرده‌ام گوش و روانم را نوازش داده و هر روز برایم خوش‌نوتر می‌نماید - تلفن کرد و از هم‌میهنان یهودی گله میکرد که چرا آنها «پوریم» را جشن می‌گیرند! و میگفت این روز یادآور جنایتی است که از طرف دو نفر یهودی

نیست و یک واقعیت است. بنابراین میتوان گفت حضور دو نفر یهودی در دربار توانسته از یک فاجعه هولناک یعنی «پاکسازی» ایران از وجود یهودیان جلوگیری کند و با بسزا رساندن یک مشت آنتی سمیت، جان صدها هزار ایرانی یهودی که فرزندان آزاد شده کورش بزرگ هستند را از مرگ برهاند. راستی اگر در زمان رایش سوم چند نفر یهودی در سیستم «رخنه» کرده صدها نفر از نقشه کش‌ها و همدستان هیتلر را به هلاکت رسانیده بودند بهتر نبود تا جنگی که بیش از ۵۰ میلیون کشته بجا گذاشت که فقط شش میلیون از آنها تنها گناهشان یهودی بودن بود؟!!

خانم هم میهن عزیز، یهودیان در هر کشوری که زندگی کنند به آن وفادارند. مسئله مذهب یک مسئله شخصی است که مانند روابط جنسی آنرا به رخ دیگران نباید کشید و از آن برای حمله و آدم‌کشی نباید استفاده کرد.

هم میهن عزیزم شما تنها نیستید که از یک افسانه استفاده میکنید تا از هم میهنان یهودی‌تان گله کنید، یکی از پنج نفری هم که در برنامه جالب آقای میبیدی شرکت می‌کنند چون گویی نسبت به مذهب خود «رودربایستی» دارند خود را بدون مذهب معرفی می‌کنند و هر بار خودآگاه یا ناخودآگاه این اشتباه را تکرار می‌کنند. موضوع برنامه نظریات مذاهب مختلف است ولی ایشان بخشی از سیاست کشور اسرائیل را که یک مسئله سیاسی است و میتوان با آن موافق یا مانند برخی‌ها مخالف بود «گناه» یهودیان دانسته، شعر زیبایی حافظ شیراز «یوسف گمگشته باز آید به کنعان غم مخور» را شاهد گرفته تا راه درست یا نادرست سیاست آقای نتانیاهو نخست وزیر اسرائیل را گناهی برای یهودیان معرفی کند!

نه آقای محترم، مذهب را با سیاست مخلوط نکنید چرا که

مخلوط کردن این دو باعث بدبختی کشورهای می‌شود که به آن دچارند! سیاست یک دانش است و برای آموختن آن حتی دانشکده‌های بزرگ در کشورها وجود دارد، مذهب یک باور است. بنظر من می‌تواند به آنهایی که معتقد هستند کمک کند، به ناامیدها، فردای بهتری را نوید دهد، به دردمندان طاقت تحمل دهد، بیماران را تسکین دهد و از همه مهمتر به آنان عشق و محبت به هموعان خود - با هر دین و آئینی - بطور کلی درس انسانیت بیاموزد. بعنوان مثال برای من بسیار جالب بود در کلاسی که هفته گذشته کودکان یهودی را برای بر میتصوا و بت میتصوا آماده می‌کنند، در باره کودکان سوریه و بدبختی آنان سخن گفته بودند و آنان را تشویق به کمک به این کودکان بخت برگشته می‌کردند.

اگر مذهب برای به راه راست آوردن انسان‌ها باشد چرا با آن مخالف باشیم؟

ضمناً شاید جالب باشد و باید اعتراف کنم این موضوع را یک بانوی وارسته از دوستان مسلمانم به من یادآور شد. او می‌گفت چطور است از میان این همه شیرزنان، ملکه‌ها و قهرمانان افسانه‌ای یا راستین ایران، تنها مقبره استر در همدان پابرجاست؟!!

اجازه بدهید من هم مانند هم میهن مسلمانم که در برنامه میبیدی حافظ را به کمک گرفت این مقاله را با مصرعی از رند شیراز به اتمام برسانم

جنگ هفتاد و دو ملت همه را عذر بنه

چون ندیدند حقیقت ره افسانه زدند

لس آنجلس - ۲۰ آوریل ۲۰۱۸